

## یک کتاب، یک قدم، چند رویکرد: معرفی کتاب «از ریشه تا امروز»، کتابی مهم در تاریخ‌نگاری صنعت نشر ایران

دکتر فرید قاسملو<sup>۱</sup>

### مقدمه

یکی از کارهایی که دیر یا زود باید فکری برای آن کرد و به صورت سامان‌مند (منظور از سامان‌مند از دید اینجانب برنامه‌ریزی شده؛ مشخص بودن هدف و با تعیین رژیم زمانی روشن است) به آن پرداخت؛ کوشش برای تهیه زیرساخت‌های تاریخ‌تحلیلی صنعت نشر ایران است. اگر چه از «صنعت نشر» یاد کرده‌ام و افزودن «صنعت» به این اصطلاح ممکن است ذهن را به سمت پرداختن به وجه‌های مختلف «فیزیکی» نشر در ایران ببرد، اما واقعیت (به نظر اینجانب) آن است که پرداختن به تاریخ‌تحلیلی صنعت نشر ایران بیش از هر چیز پرداختن به «فرهنگ ایرانی» است. به عبارت دیگر، چه بخواهیم و چه نخواهیم فرهنگ ایرانی (بسیار بیشتر از آنچه فکرش را بکنیم) وابسته به «نشر» است. البته و صد البته باید پذیرفت «فرهنگ» مفهومی انتزاعی است با تعاریف متعدد برآمده از رویکردهای نظری مختلف و دارای اجزای فراوان، اما «واقعیت» نیز این است که فرهنگ در هر جامعه ارتباط مستقیم؛ زیرساختی و روشنی با «صنعت نشر» آن جامعه دارد و شاید نتوان به جز صنعت نشر، ماهیت فیزیکی فرهنگ جامعه را با چیز دیگری سنجید.

### معرفی کتاب از ریشه تا امروز، پژوهشی در تاریخ و اسناد سه ناشر

این مقدمه را گفتم تا به این زیرمقدمه برسیم که هرگونه کوشش و تولید ادبیات علمی (در قالب کتاب؛ مقاله؛ پایان‌نامه؛ مصاحبه؛ تاریخ شفاهی؛ طرح پژوهشی؛ پادکست و ...) درباره تاریخ‌نگاری صنعت نشر ایران را با هدف تهیه مقدمات رسیدن به زیرساخت‌های تاریخ‌تحلیلی نشر ایران باید به فال نیک گرفت و البته این روزها، با انتشار کتاب از ریشه تا امروز، گام مهمی در این زمینه برداشته شده است، دستم‌ریزاد به مؤلف، حامی، مشاور،

۱. عضو گروه تاریخ علم بنیاد دایرة‌المعارف فارسی



ناشر و ... دست‌اندرکار تهیه این کتاب.

از دیگر سو، همسو با ستایش از انتشار چنین کتابی، با آنچه در یکی از مقدمه‌های این کتاب (ص ۱۴) آمده و آن را معادل یک پایان‌نامه دکتری دانسته، کمابیش موافق نیستم (و در ادامه، به طور خلاصه دلایل خودم را در این زمینه طرح می‌کنم).

به نظر اینجانب، بیش از آنکه این کتاب را بتوان «پایان‌نامه» ای در زمینه نشر ایران دانست، باید آن را «مجموعه‌ای از داده‌ها» به شمار آورد، بدون هیچ‌گونه نتیجه‌گیری خاصی (که البته این یکی، یعنی نتیجه‌گیری و تحلیل، باید یکی از شرط‌های اصلی «تهیه» یک پایان‌نامه دکتری باشد). اما، باید بگویم حتی این داوری نیز، از اهمیت از ریشه تا امروز در بررسی بخشی از تاریخ نشر ایران، و رسیدن به آرزوی پیش گفته‌ام؛ یعنی تهیه بخشی از زیرساخت تاریخ تحلیلی نشر ایران نمی‌کاهد، اجازه بدهید کمی درباره ساختار کتاب توضیح دهم تا بتوانم از این نوشته خودم دفاع کنم؛ برای به دست دادن گزارشی درباره کتاب نیز، اجازه دهید کمی از «ریاضیات» و «عدد» کمک بگیریم:

روی هم‌رفته از ریشه تا امروز از این ساختار تشکیل شده است: سه فصل، منابع و نمایه‌ها. فصل یکم، تاریخچه انتشارات فرانکلین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، انتشارات علمی و فرهنگی (روی هم‌رفته صفحه‌های ۲۲-۲۴۰)

فصل دوم، نویسندگان، مترجمان، طراحان و ویراستاران {شاغل به کار یا طرف قرارداد در این سه ناشر}، (روی هم‌رفته صفحه‌های ۲۴۴-۶۰۸).

فصل سوم، اسناد روابط فرانکلین و ناشران (صفحه‌های ۶۱۲-۶۳۴).

منابع و نمایه‌ها نیز در صفحه‌های ۶۳۵-۶۳۷ قرار دارند و البته در ادامه بیشتر به این دو بخش می‌پردازم. همین نگاه نخستین نشان می‌دهد بدنه و بخش اصلی کتاب فصل دوم آن است که در این بخش نیز، تأکید بر «تصویرنگاری» داده‌ها است. به عبارت دیگر، بیش از آنکه «نوشته» در این بخش (و کمابیش در دو بخش / فصل دیگر کتاب) تولید دانش کرده باشد. این «تصویر» است که این وظیفه (جالب و مهم) را برعهده دارد. برای آنکه درباره این تصویرها نیز؛ کمابیش «اندازه» ای داشته باشیم. دوباره اجازه بدهید به ریاضیات و عدد روی بیاوریم. به شمارش اینجانب، این تعداد تصویر - رونویس اسناد و رویهم‌رفته آنچه به صورت «عکس» چاپ شده، در کتاب وجود دارد:

- |                       |  |
|-----------------------|--|
| روی هم‌رفته ۲۹۸ فقره  | - تصویر روی جلد کتاب‌ها  |
| روی هم‌رفته ۳۸۳ فقره  | - تصویر اسناد  |
| روی هم‌رفته ۶ فقره    | - تصویر بریده جراید  |
| روی هم‌رفته ۳۶ فقره   | - تصویر مربوط به زندگی اجتماعی، چشم‌اندازها، نمایشگاه‌ها و موزه‌ها   |
| ۴ فقره                | - تصویر بناها  |
|                       | - تصویر افراد (صاحب‌نظران، مؤلفان، مترجمان، طراحان؛ با احتساب ۵ تصویر از مرحوم همایون صنعتی‌زاده که باید آن‌ها را یک «عنوان» دانست)، |
| روی هم‌رفته ۱۱۵ فقره. |  |



- کارهای گرافیکی و توصیف نمادهای هنری ۱۱ فقره.

همچنین، چهار جدول گاهشمار مربوط به بعضی رخدادهای نشر ایران، به ترتیب در صفحه‌های ۲۴-۲۵؛ ۱۵۸-۱۶۰؛ ۱۶۱ و ص ۲۰۲-۲۰۴ وجود دارند.

امیدوار هستم توانسته باشم نشان دهم «تصویر» در این کتاب چه جایگاه مهمی داشته و بر همین اساس، به این نتیجه برسم که اکنون، یک پایگاه داده‌ها (ولو در سطح اولیه و ابتدایی، با جامعه آماری مشخص) داریم، که با پیوند با دیگر داده‌های موجود (از جمله، دیگر پژوهش‌هایی که پدیدآور جوان و بانگیزه این کتاب انجام داده است) خود زیرساختی برای پژوهش‌های منتج به تحلیل در گرافیک نشر در ایران، از جمله رویکرد تکامل تدریجی طراحی جلد را پدید آورده است و بر همین اساس، باید امیدوار بود پژوهش‌های تحلیلی چندی، با استفاده از همین داده‌ها صورت گیرد تا ما را یک قدم دیگر به تاریخ تحلیلی صنعت نشر ایران نزدیک کند. این وجهی از کتاب از ریشه تا امروز است که باید به آن توجه کرد و آن را گرامی داشت. اما از دیگر سو (امیدوار هستم در این زمینه تندروری نکرده باشم) باید به رویکرد توصیفی کتاب، و ضرورت وجود دیگر داده‌هایی در آن نیز توجه کرد.

به نظر اینجانب، از ریشه تا امروز، بیش از هر چیز، از نقص در استفاده از مهم‌ترین منابع رنج می‌برد. شاید (این، البته فقط یک آرزو است، نه چیز دیگر) بهتر می‌بود (با نگاهی توصیفی درباره صنعت نشر ایران، و در آن میان نقش انتشارات فرانکلین و با محوریت شخص همایون صنعتی‌زاده) مجموعه منابع در دسترس بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و بر همین اساس، بخش توصیفی کتاب تقویت می‌شد که در این صورت، وجه پایان‌نامه‌ای آن، غیرقابل انکار می‌بود.

در بیان رویکرد منبع شناختی پرداختن به تاریخ‌نگاری انتشارات فرانکلین، به نظر اینجانب شایسته است (برای تولید تاریخ‌نگاری‌های بعدی درباره این یکی از مهم‌ترین ناشران گذشته ایران) از دو رویکرد بهره ببریم. یکی، تاریخ‌نگاری فرانکلین در سطح بین‌المللی، و دیگر، تاریخ‌نگاری فرانکلین ایران.

چه بخواهیم و چه نخواهیم؛ فرانکلین ایران بخشی از برنامه بین‌المللی موسوم به «برنامه کتاب فرانکلین» بود که توسط گروهی از دولتمردان و اندیشمندان امریکایی برنامه‌ریزی شد و در محدوده زمانی خاصی به اجرا نشست. بدون آنکه بخواهیم از تعقل دور شده و هیجانی و احساسی سخن بگوییم، فرانکلین ایران نیز کمابیش تحت تأثیر این رویکرد بین‌المللی برخواسته از جنگ سرد و سال‌های رویارویی دو ابرقدرت شرق و غرب بوده است که طی آن اردوی غرب خواسته از طریق گسترش فرهنگ نیز به جنگ سرد با اردوی شرق پردازد. اما نقش فرانکلین ایران (و شخص صنعتی‌زاده) در دور شدن از آرمان‌گرایی غربی و رسیدن به آرمان‌های ملی رویکردی است که حتماً (و به دور از پیش‌فرض‌های توطئه‌زده) باید به آن توجه کرد و من می‌کوشم برآمده از منابعی که توسط همین «غربیان» در جریان تاریخ‌نگاری فرانکلین ایران تهیه شده نمونه‌هایی از آن را برجسته سازم.



## بررسی منابع تولید شده درباره برنامه کتاب فرانکلین

همچنین، قابل ذکر است که بررسی منابع تولید شده درباره برنامه کتاب فرانکلین (در سطح بین‌المللی و خارج از ایران) نشان می‌دهد این برنامه آنقدر اهمیت داشته که کمابیش هنوز هم درباره آن مقاله تولید شده و به بررسی فراز و فرود آن (منتج به اعلام رسمی پایان برنامه در امریکا در سال ۱۹۷۸) پرداخته می‌شود.

در میان منابع متعددی که از دیدی بین‌المللی (و نه با تمرکز بر فرانکلین ایران) به بررسی برنامه کتاب‌های فرانکلین می‌پردازد، پیش از همه باید از مقاله اسمیت (منتشر شده در سال ۱۹۸۳ میلادی) یاد کرد. با توجه به اینکه داتوس اسمیت آخرین مدیر ارشد فرانکلین در امریکا (و منتهی به پایان برنامه) بود. بدون تردید آراء و نوشته‌های او کمک بزرگی به شناخت برنامه خواهد کرد. این مقاله اسمیت، خط سیر کلی برنامه را از ابتدا تا انتها ترسیم کرده است.

مقاله رویینز<sup>۲</sup>، (منتشر شده در سال ۲۰۰۷) از باب پرداختن به چرایی راه‌اندازی برنامه کتاب فرانکلین و نقش گروهی از اندیشه‌ورزان امریکایی در این برنامه، و راه‌اندازی برنامه در جریان سال‌های جنگ سرد بسیار مهم و قابل توجه است. البته گفتنی است رویینز در این مقاله فرانکلین تهران را موفق‌ترین برنامه آن در سراسر جهان می‌داند و بسته به موضوع به دستاوردهای فرانکلین تهران ارجاع داده است.

مقاله لائوگسن<sup>۳</sup> (منتشر شده در سال ۲۰۱۰) متأخرترین مقاله‌ای است که مؤلف این سطور موفق به دستیابی بدان شده است.

این مقاله نیز، نقش برنامه {جهانی} کتاب فرانکلین را در طی سال‌های جنگ سرد بررسی کرده و به دقت به بررسی کشورهای مختلفی که در این برنامه سهیم بوده‌اند پرداخته است. لائوگسن صراحتی ندارد که برنامه ایران را موفق‌ترین برنامه بداند. اما گزارشی که در لابه‌لای نوشته‌های او از فرانکلین ایران وجود دارد کمابیش نشان می‌دهد او نیز برنامه ایران را موفق دانسته است. از جمله، در مقاله لائوگسن یک عکس به چشم می‌خورد درباره یک فروشنده دوره‌گرد کتاب که کتاب‌های شرکت کتاب‌های جیبی (از مؤسسه‌های برآمده از دل فرانکلین تهران) را به وسیله یک چرخ مختص فروش کتاب به مردم نشان می‌دهد. این تصویر (در کنار یکی - دو تصویر دیگر، با همین موضوع که در ادامه به آن می‌پردازم) دست‌کم از این رویکرد مهم است که نشان می‌دهد مدیران فرانکلین (و در پیشانی همه آنها، همایون صنعتی‌زاده) چه اندیشه‌های مهم، بکر و ارزان‌قیمتی برای نشان دادن کتاب به مردم و تشویق آنان برای خرید کتاب‌های ارزان‌قیمت، در سر داشته‌اند.

به دلایلی (برای بنده، نامعلوم) اسمیت در پایان مدیریت خود بر فرانکلین نیویورک و در پایان برنامه، اسناد مؤسسه نیویورک را سه بخش کرد. بخشی را در اختیار کتابخانه کنگره قرار داد؛ بخشی را در اختیار دانشگاه پرینستون و بخشی را نیز به مرکز {فرهنگی} هری رنسون در شهر آستین تگزاس<sup>۱</sup> سپرد. در میان این سه مرکز، کتابخانه کنگره امریکا بخشی از اسناد را بر روی شبکه جهانی اینترنت قابل دسترسی ساخته است. از جمله، گزارش‌هایی که در سال‌های پایانی برنامه جهانی پیرامون تعداد کتاب منتشر شده به توسط هر کشور جمع‌آوری

1. Harry Ransom Center



شده است. این اسناد بر پایه تقسیم‌بندی زبانی (کتاب‌های منتشر شده به هر زبان) نشان می‌دهند چه تعداد کتاب (تا زمان تهیه شدن گزارش‌ها، میانه دهه ۱۹۷۰ میلادی) به چاپ رسیده‌اند. این تعداد، بسیار قابل اعتنا (و البته، مقایسه) هستند و خلاصه آنها را (بر اساس مطالعه همین اسناد) و بر اساس ترتیب الفبایی زبان‌ها در جدول زیر نشان داده‌ایم:

شماره	زبان	تعداد کتاب منتشر شده
۱	اردو	۴۴۸
۲	اسپانیایی	۱۰۳
۳	اندونزیایی	۲۲۱
۴	بنگالی	۳۳۱
۵	پرتغالی	۵۵
۶	ترکی	۲۵
۷	چینی	۳۹
۸	عربی	۱۴۱۲
۹	فارسی	۱۰۲۹
۱۰	مالایی	۹۴
(گزارش انتشار کتاب‌های فارسی در پایان سال ۱۹۷۳ تهیه شده است.)		

همین بررسی آماری نیز خود نشان از موفقیت فرانکلین تهران در میان دیگر همتایان خود در سراسر جهان است. اما همانگونه که پیش از این نیز عرض کردم؛ نباید هیجانی، به دور از عقل و تنها بر اساس مشتی عدد و آمار توصیفی داوری کرد. تعداد کتاب‌های منتشره، یکی از دستاوردهای فرانکلین تهران بوده است. اما دیگر دستاوردهای این مؤسسه مهم انتشاراتی ایران کارهای مهم و عمیقی بوده است که پیرامون صنعت نشر انجام داده و لابلای منابعی که درباره آن نوشته شده‌اند، می‌توان به گزارشی درباره آنها دست یافت.

از جمله منابعی که مراجعه به آن برای پژوهشگران تاریخ نشر ایران و البته علاقه‌مندان تاریخ‌نگاری مؤسسه انتشاراتی فرانکلین تهران البته مهم، بلکه واجب است، گزارشی است که ماریا ناگورسکی لکلره در قالب یک کتاب و با نام اجازه بدهید همه ما در دنیای کتاب شریک باشیم (تهران، ۱۹۷۳) منتشر کرده است. ناگورسکی در سال‌های پایانی فعالیت فرانکلین تهران در ایران و در این مؤسسه حضور داشت، (این مأموریت از سوی فرانکلین نیویورک به او سپرده شده بود) و این کتاب حاصل گزارش‌هایی است که او از این سفر تهیه کرد. سراسر کتاب ناگورسکی به فرانکلین تهران اختصاص داشته و او در این کتاب به جنبه‌های مختلف فرانکلین تهران پرداخته

1. Maria Nagorski Leclere



است. از جمله، تاریخچه پیدایی برنامه فرانکلین در آمریکا (ص ۲) و نقش دوتاس اسمیت در این برنامه (ص ۳-۴)؛ سفر اسمیت به ایران در نوامبر ۱۹۵۳ (ص ۵-۶) و کارهای مقدماتی راه‌اندازی دفتر تهران و شروع کار دفتر تهران در ۱۹۵۴ (ص ۸)؛ ناگورسکی همچنین یکی از ویژگی‌های مهم دفتر تهران را طرح‌های بزرگی می‌داند که در آن انجام شد. از جمله، تهیه دایرةالمعارف فارسی و نقش آن در تدوین و چاپ کتاب‌های درسی (ص ۱۳-۶۴). برنامه کتاب‌های جیبی (ص ۶۹-۸۲) و کوشش برای تدوین کتاب‌های مناسبی برای کودکان (ص ۸۳-۱۰۸) از جمله دیگر بخش‌های کتاب‌های او هستند. او همچنین (ص ۱۱۰) تصریح می‌کند که اگرچه ایران قانون حقوق مؤلفان (کپی‌رایت) را نپذیرفته، اما فرانکلین تهران هیچ کتابی را بدون گرفتن مجوز کپی‌رایت آن ترجمه نمی‌کرده است. تأکید ناگورسکی (ص ۱۴-۲۵) بر موضوع طرح تهیه دایرةالمعارف فارسی جالب است و البته، ای‌کاش در فصل اول کتاب *از ریشه تا امروز* نیز به این دایرةالمعارف پرداخته می‌شد. ناگورسکی (ص ۱۱۴-۱۲۶) همچنین قدم‌های برنامه‌ریزی شده برای آماده‌سازی کتاب در فرانکلین را این‌گونه (به تفصیل) توضیح می‌دهد:

- ۱- انتخاب کتاب؛ ۲- اقدام برای گرفتن مجوز کپی‌رایت؛ ۳- انتخاب مترجم؛ ۴- انجام ترجمه؛ ۵- اقدام در بخش ادیتوریال (بخش‌های ویرایش)؛ ۶- آماده‌سازی دستنویس؛ ۷- انتخاب ناشر؛ ۸- تولید کتاب؛ ۹- چاپ؛ ۱۰- طراحی روی جلد؛ ۱۱- تصحیحات نهایی جلد.

بدون تردید یکی از دستاوردهای مهم فرانکلین تهران، این گردش‌کاری بوده است که برای انتشار کتاب تدارک دیده شده بود.

در صفحه ۷۵ کتاب ناگورسکی عکسی از یکی از فروشگاه‌های موقتی کتاب‌های جیبی وجود دارد که آن را باید در کنار عکسی که در مقاله لائوگس وجود دارد و پیش از این بدان اشاره کردیم قرار داد. این فروشگاه موقت، قفسه‌هایی از مفتول آهنی در ۶ طبقه بوده‌اند که هر کدام امکان ارائه ۵ کتاب در هر طبقه را داشته‌اند. در عکس کتاب ناگورسکی دو قفسه به چشم می‌خورند که حدود ۶۰ عنوان کتاب را به معرض نمایش قرار داده‌اند. یکی دیگر از ابتکارهای فرانکلین در جهت معرفی ارزان قیمت کتاب در هر جا. مدتی پس از انتشار کتاب ناگورسکی، فیلستروب (در سال ۱۹۷۶) مقاله خود را اختصاصاً درباره فرانکلین تهران تهیه کرد.

مقاله او، از جهت معرفی دستاوردهای دفتر تهران، در این حوزه‌ها جالب و خواندنی است: ۱- برنامه‌ریزی چاپ مدرن در ایران؛ ۲- تهیه دایرةالمعارف فارسی و کتاب‌های درسی، ۳- انتشار مجموعه مجله‌هایی برای نوجوانان؛ ۴- گسترش برنامه‌های عمومی کتابدارانه در ایران.

مقاله فیلستروب از چند منظر دیگر نیز قابل اهمیت است. از جمله، استفاده از چند منبع درباره فرانکلین تهران (از جمله، کتاب ناگورسکی)؛ نامه‌هایی که فیلستروب (در جریان تدوین مقاله‌اش) به چندتن از دست‌اندرکاران دفتر تهران از جمله لیلی ایمن، نجف دریابندری، فتح‌الله مجتبیایی و علی اصغر مهاجر نگاشته و مصاحبه‌ای که اختصاصاً درباره فرانکلین در سال ۱۹۷۶ با احسان یارشاطر کرده است. گفتنی است ترجمه ناقص و برگزیده‌ای از این مقاله به زبان فارسی وجود دارد: م. فیلستروب، موسسه انتشارات فرانکلین، ترجمه گیتی آرین، در: *نامه انجمن کتابداران ایران*، بهار ۱۳۵۷ شماره ۴۱ صفحه ۳۶-۳۷. از شما چه پنهان، هرچه فکر



کردم نفهمیدم چرا مقاله به این مهمی باید به طور ناقص به فارسی برگردانده شود. در نهایت، از منابع غیرایرانی درباره فرانکلین: باید از مقاله *دانشنامه ایرانیکا* یاد کرد<sup>۷</sup>. این مقاله از آنجایی که به قلم اسمیت (آخرین رئیس پیش‌گفته برنامه کتاب فرانکلین در آمریکا) نوشته شده؛ دارای اهمیت بسزایی است. این مقاله بعضی نکات را نیز درباره فرانکلین روشن می‌کند که تاکنون کمتر بدان پرداخته شده بود. از جمله، نقش فرانکلین در انتشار کتاب‌های درسی افغانستان در ایران؛ کوشش برای راه‌اندازی چاپخانه افسر در تهران، تعلیم گروهی ۲۵ نفره از کارشناسان افغانستانی در ایران برای انتقال تجربه چاپ کتاب از ایران به این کشور و البته فشار اجتماعی چاپخانه‌داران به دولت و این خواست اجتماعی که با توجه به زیاد بودن تقاضای چاپ در کشور، لازم است تدبیری برای ساخت چاپخانه‌های مجهز و انتقال دانش روزآمد چاپ به کشور اندیشیده شود. این مقاله، همچنین به یک موضوع دیگر نیز اشاره می‌کند: ضرورت راه‌اندازی دفتر تبریز انتشارات فرانکلین ایران.

ماجرای این قرار بود که به جهت تأمین کاغذ ناشران طرف قرارداد فرانکلین تهران و البته تأمین کاغذ چاپ کتاب‌های درسی (درباره نقش فرانکلین در چاپ کتاب‌های درسی نک: *از ریشه تا امروز ص ۸۷*) مقدار زیادی کاغذ از فنلاند خریداری و آماده ارسال به تهران، به وسیله کشتی و از طریق دریای مدیترانه، کانال سوئز، دریای سرخ، اقیانوس هند و خلیج فارس گردید. اما فرستادن این محموله کاغذ درست برابر شد با بحران کانال سوئز و بسته شدن آن (از اواخر سال ۱۹۵۶ تا اواسط سال ۱۹۵۷). بنابراین، دو راه باقی مانده بود. یا انتقال کاغذها همچنان با کشتی و از طریق دور زدن افریقا و یا به وسیله ماشین و از راه کشور شوراها، صنعتی زاده دومی را انتخاب کرد و با کوشش‌های عبدالعلی کارنگ (مدیر وقت دفتر فرانکلین تبریز) کاغذها به سرعت به تهران رسیدند.

مراجع فارسی درباره فرانکلین نیز کم نیستند، بر من معلوم نیست چرا پدیدآور محترم از ریشه تا امروز به این مجموعه منابع فارسی بی توجهی نشان داده است. اما امیدوار هستم ایشان روزی، چه در قالب ویرایش دوم کتاب، چه در قالب ذیلی بر آن و چه در قالب مقاله یا مقاله‌هایی در ادامه کار خوبی که آغاز کرده، به این خیل به نسبت عظیم منابع فارسی نیز پردازد. از میان همه این منابع، که دسترسی به آنها (به مدد استفاده از فضای مجازی و شبکه نت) اصلا سخت نیست، اجازه دهید فقط یکی را معرفی کنم:

ژیلا یادگار، بررسی فعالیت‌های موسسه انتشارات فرانکلین، پایان نامه برای درجه کارشناسی ارشد رشته کتابداری، دانشگاه تهران، استادان راهنما ناصر پاکدامن و عباس حری، فروردین ۱۳۵۸. این پایان نامه از چند جهت سندی مهم در تاریخ نگاری موسسه فرانکلین تهران به شمار می‌رود، از جمله:

الف. در این پایان نامه چندین بار به کتاب خانم ناگورسکی ارجاع داده شده است. متن فارسی دیگری را تا کنون ندیده‌ام که به این کتاب مهم (درباره فرانکلین) ارجاعی داده باشد.

ب. آنچه در صفحه‌های ۵-۱۳ این پایان نامه آمده تاریخ نگاری بسیار خوبی برای موسسه فرانکلین تهران است که خواننده را با مجموعه وسیع دستاوردهای آن آشنا می‌کند.

ج. در این پایان نامه با مجموعه به نسبت وسیعی از دست‌اندرکاران فرانکلین تهران مصاحبه شده است. از



جمله صنعتی زاده، امامی، دریابندری و افکاری. فهرست آنها (رویهم رفته ۱۳ نفر) در صفحه ۱۰۰ پایان نامه آمده است.

د. پیوست هایی که در این پایان نامه آمده (صفحه های ۱۰۶-۱۳۶) گزارشی بسیار خوب از انواع گردش کارهای کتاب در فرانکلین، نمونه قراردادهای و البته فرم های کاری است که در موسسه برای هر کتاب تهیه می شده است.

همه این ها را درباره تاریخ نگاری فرانکلین تهران عرض کردم تا به این نتیجه برسم که از ریشه تا امروز حتماً مرجع خوبی برای تاریخ نگاری بخش (به نسبت مهمی) از تاریخ گرافیک کتاب در ایران؛ ناظر به مجموعه تعداد طرح های روی جلدی که در آن جمع آوری شده و ناظر به نقش فرانکلین در کار حرفه ای صنعت نشر است. اما درباره تاریخ نگاری خود فرانکلین و با هدف تبیین بخشی از تاریخ نشر در ایران، با چشم انداز رسیدن به تهیه منبعی در خور برای تاریخ تحلیلی نشر ایران، هنوز چند قدم با شرایط مناسب فاصله دارد.

گذاشته از اهمیت تصویر های روی جلد کتابها که در از ریشه تا امروز چاپ شده، باید به اسنادی نیز که در آن آمده توجه نمود. از جمله کارهای دیگری که (در قالب تحلیل) و براساس همین تعداد سندی که در از ریشه تا امروز جمع آوری و چاپ شده می توان (و روزی؛ باید) انجام داد؛ تحلیل اسناد برای درک بهتر بخشی از تاریخ نشر ایران است. بر همین حساب، اگر از من بپرسید، کدام سند (نقل شده در از ریشه تا امروز) از همه مهم تر است؟ می گویم چند سند چاپ شده در صفحه های ۶۴-۶۵ کتاب، صورت جلسه ای برگزار شده در تاریخ ۱۲/۱۰/۵۴ و با حضور دریابندری، امامی، وحید و افکاری. آنچه از این سند برمی آید؛ تاکید حاضران در جلسه برای چند چاپ کتاب ارزان قیمت و لزوم توجه به چاپ کتاب های ارزان قیمت برای چرخاندن چرخ های یک ناشر (به نسبت بزرگ) است؛ که نشان می دهد رواج انتشار و فروش کتاب های ارزان قیمت چقدر برای زنده نگه داشتن صنعت نشر یک کشور لازم و واجب است.

یک بانک داده دیگر مربوط به نشر کشور که در کتاب از ریشه تا امروز وجود دارد، مجموعه تصاویری است که از صاحب نظران صنعت نشر کشور، آنهایی که به هر طریق با فرانکلین همکار بوده اند تهیه شده (روی هم رفته شامل ۱۱۵ نفر)؛ اما یک نکته باقی می ماند: کاری که از نظر گرافیکی روی تصویر افراد شده و تصویر نقطه ای آنان (به نظر اینجانب) از ریشه تا امروز را از نقش یک کتاب مرجع با این هدف خارج کرده است. در همین کتاب دست کم دو نمونه از عکس افراد وجود دارد (به جز تصاویر مربوط به همایون صنعتی زاده) که کار گرافیکی روی آنها نشده و می توانند به عنوان مقایسه (با هدفی که از اینجانب از تهیه چنین بانکی پیش چشم داشته ام) به کار آیند، یعنی به دست دادن مجموعه عکس دست اندرکاران نشر کشور: تصویر پرویز اتابکی (ص ۲۸۲) و تصویر محمد پروین گنابادی (ص ۵۶۶).

در فصل دوم کتاب، بعضی جابجایی ها در ترتیب نام افراد آمده که علت آن را (به جز احتمال نادرستی در ترتیب چیدمان افراد) نیافتم. از جمله، در صفحه های ۴۰۰ و ۴۰۴ ترتیب الفبای ذکر نام های جهاننداری و جمال زاده نادرست است. در صفحه ۴۱۸، گزارش زندگی پرویز ناتل خانلری ذیل ترتیب حرف «خ» آمده که قاعدتاً باید ذیل حرف «ن» می آمد، کما اینکه در نمایه کتاب نیز، نام به صورت ناتل خانلری، پرویز، نمایه شده





است. در صفحه ۵۴۰ ذکر نام الهی قمشه‌ای در حرف «ق» قرار دارد (و در نمایه نیز، الهی قمشه‌ای در حرف ق نمایه شده) در حالی که به نظر می‌آید در ترتیب الف باید قرار می‌گرفت؛ در صفحه ۵۶۶ پروین گنابادی در حرف گ آمده، اما به نظر می‌رسد درست آن باید در ردیف «پ» و پروین گنابادی باشد. کما اینکه در نمایه نیز ذیل پ نمایه‌سازی شده و در صفحه‌های ۶۰۰ و ۶۰۲ ترتیب ذکر همایون پور و وحید نادرست به نظر می‌رسد.

مشکل الفبای فارسی در نمایه‌ها نیز به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد این مشکل به خاطر سیطره نرم‌افزار word عربی بر شکل فارسی آن پدید آمده است. مشکلی که در نهایت کسی از جامعه رایانه‌شناسان این کشور باید فکری برای حل آن بکند. در نتیجه بروز این مشکل در صفحه ۶۳۷ و در بخش نمایه‌ها، در حرف «م» ترتیب نمایه شده ممیز، مهاجر، موسوی گرمارودی؛ که البته براساس ترتیب الفبای عربی است، نه فارسی. در صفحه ۶۳۶ و در ذیل حرف پ، همین صفحه ذیل حرف ج، و همین‌طور ص ۶۳۷ ذیل حرف «د» نیز این مشکل وجود دارد. تا هنگام نوشته شدن متن حاضر، از یک بازخورد نیز درباره این کتاب خبر داریم: مجید جلیسه، با تیشه بر دیروز، در: جهان کتاب، سال ۲۶ شماره ۸ آذر - دی ماه ۱۴۰۰، صفحه‌های ۱۷-۲۳. گزارش آقای جلیسه (اگرچه شامل تندروری‌هایی بر علیه کتاب است که علتی برای آن نیافتم) اما درنوع خود جالب و خواندنی است. از هنگام چاپ شدن از ریشه تا امروز دستکم دو منبع دیگر نیز به فارسی تولید شده که همچنان نشانگر اهمیت موسسه فرانکلین در صنعت نشر ایران است و طبیعی است که در هر پژوهش دیگر لازم است این دو منبع نیز بررسی شود:

مهدی گنجوی، برنامه کتاب فرانکلین در ایران: آموزش و جنگ سرد فرهنگی در خاورمیانه، ترجمه زهرا طاهری، تهران ۱۴۰۲؛ این اثر همچنان که از نام آن پیدا است همه چیز را در پرتوی جنگ سرد دیده و از اهمیت فرانکلین در صنعت نشر ایران غفلت کرده است.

حسن شمس آبادی، حمید بصیرت منش، محمود سالار بیگدلی، تحلیل عملکرد انتشارات فرانکلین در حوزه کتاب کودکان و نوجوانان، مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال ۱۲ شماره ۴۷ بهار ۱۴۰۰. نهایت اینکه از ریشه تا امروز به قیمت ۵۷۴۰۰۰ تومان قیمت‌گذاری شده است. با این وضع کاغذ و اگر با همین فرمان پیش برویم، احتمالاً سال دیگر همین موقع قیمت کتاب‌های مرجع به بالای یک میلیون تومان در هر جلد می‌رسد. می‌دانم که نباید از «افراد» توقع خرید کتاب مرجع داشت. اما، شما را به خدا، فقط همین را محاسبه کنید که اگر قیمت این دست از کتاب‌ها به میلیون تومان برسد؛ کتابخانه‌ای که به عنوان مثال سالی یکصد میلیون تومان بودجه خرید کتاب دارد؛ روی هم رفته چند جلد کتاب، اعم از مرجع و غیرمرجع می‌تواند بخرد و به مجموعه خود اضافه کنند؟ یا اینکه آنقدر در مملکت پول داریم که به هر کتابخانه عمومی سالی چند "میلیارد" تومان بودجه خرید کتاب بدسیم؟ باز هم خدا کند، خدا کند و خدا کند وزارت ارشاد، فکری اساسی برای موضوع قیمت کاغذ کند.

از ریشه تا امروز کتاب جالبی برای مرور بخشی از تاریخ صنعت نشر ایران است. یک بار دیگر باید از همه دست‌اندرکاران انتشار آن تشکر کرد و آرزو نمود پدیدآور جوان کتاب، همچنان کار خود را برای تهیه کردن آثاری از این دست ادامه دهد.



## منابع:

۱. از ریشه تا امروز، پژوهشی در تاریخ و اسناد سه ناشر. انتشارات فرانکلین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، انتشارات علمی و فرهنگی. پژوهش و تألیف معراج قنبری. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۴۰۰ خورشیدی، ۶۴۸ صفحه، شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۷-۰۹۷-۶
1. C. S Datus, Book for Developing Countries, The Franklin Book program, The Quarterly Journal of the Library of Congress, Vol. 40; no. 3, Summer 1983, pp. 254-265.
2. L. R. Robbins, Publishing American Values: The Franklin book programs as Cold War Cultural Diplomacy, Library Tyends, Vol. 55; No. 3, winter 2007; pp. 638-650.
3. A. Laugesen, the Creation of a Global Modern Publishing Cultural in the Cold war: Franklin book Programs, Translation, and Modernization in the Developing world, 1952-1968. Princeton University Library Chronicle, Vol. 71; no. 2. Winter 2010, pp. 168-186.
4. [www.loc.gov/rr/rarebook/coll/franklinbookprogram.html](http://www.loc.gov/rr/rarebook/coll/franklinbookprogram.html)<sup>1</sup>
5. Maria Nagorski Leclere, Let Us All Share in the World of Book, Tehran, 1973.
- J. M. Filstrup, Franklin book Programs/ Tehran, International Library Review, Vol. 8; no. 4. October 1976, pp. 431-450.
6. Encyclopaedia Iranica, S. V. "Franklin book Program" (by Datus C. Smith, jr)



۱. این گزارش‌ها (هر کدام؛ درباره یک زبان) از طریق تارنمای کتابخانه کنگره آمریکا و با نشانی بالا در دسترس هستند.